

امریکا برای ماندن، بذر ناامنی می‌کارد

بی‌ثباتی کنترل شده افغانستان برای مهار سه‌جانبه



سربازان آمریکایی در افغانستان

گفتند که تسلط طالبان بر قندوز با چرغ‌سبز واشنگتن بوده و این شهر با طالبان معامله شده‌است.

■ **استفاده از آری از داعش**

تازمان خروج نیروهای امریکایی خبری از داعش در افغانستان نبود ولسی بلافاصله سپس از خروج نیروهای ائتلاف گروه مناطق بیشتری را اشغال کند. همچنین پنتاگون از کنگره برای حفظ جان آنها در مقابل تهدیدات تروریستی محدود کند. هاشم مصمود اللهی، عضو سابق کابینه افغانستان می‌گوید: «عصمت کردن امریکایی‌ها به ترس از طالبان و محدودیت سفرشان به افغانستان در واقع در راستای مدیریت بحرانی است که دنبال می‌کنند و با این پیام به دولتمردان افغان هشدار می‌دهند که اگر دست از پا خطا کنند طالبان در کفین هستند».

■ **رویکرد دوگانه در افغانستان**

مقامات واشنگتن در اظهارات خود از ایجاد صلح پایدار در افغانستان سخن می‌گویند اما در عمل رویکردی مهم در پیش گرفته‌اند. این رویکرد دوگانه به وضوح در اعمال سیاستشان بین طالبان و دولت افغانستان دیده می‌شود. امریکا از یک طرف در طبل مبارزه با تروریسم در افغانستان می‌کوبد، اما از طرف دیگر از طالبان و داعش حمایت می‌کند تا برای کنترل این دوگانه به داعش کمک‌های واشنگتن و حمایت دولت مرکزی را تسلیح کند. فشار بگذارو به نوعی سعی دارد تبحران طالبان افغانستان را مدیریت کرده و با تثبیت حضور نیروهای خود، صحنه گران اصلی میدان افغانستان در مقابل رقبای منطقه‌ای خود باشند. کارشناسان افغان سوئه‌ظن جدی دارند که امریکا در مقابله با طالبان و آوردن آن به پای میز مذاکره جدی نیست و اگر در این مسیر جدیت داشت می‌توانست پاکستان را به عدم‌حمایت از طالبان وادار کند. در جریان سقوط شهر «قندوز» به دست طالبان که چیزی شبیه سناریوی اخیر بود موصل به دست داعش بود، برخی نمایندگان سنان افغانستان

دورنمای نامعلوم عربستان در بحران تنش شاهزادگان

شایسته‌ترین مرد خاندان که باید با رضایت خاندان سلطنتی صورت بگیرد به شورای وقت پنج نقره سلطنت(از اعضای برتر شورای بیعت) واگذار شود. قانونی که سبب مبرای شرایط برادر، برادرزاده، عمو و عموزاده‌ها در جانشینی شاه شد. برای هریمز از نفوذ یک خاندان نیز تقسیم متوازن قدرت میان خاندان‌های فرعی آل سعود پیش‌بینی شد. با وجود انتقال تقریباً آرام قدرت تا کنون، برداشتن مقرن برادر ناتنی ملک سلمان از ولیعهدی توسط وی به بهانه ضعف جسمانی اما به دلیل یعنی بودن مادرش، تحت تدابیر شدید امنیتی انجام شد. جایگزینی وی با محمدبن نایف برادرزاده‌اش، وزیر کشور و رهبر کار کشته نظامی و قاتل شاه‌القاعده عربستان به ویژه در خنثی کردن حمله آنان به سفارت امریکا، حسادت محمدبن سلمان جانشین ولیعهد را برانگیخته‌است تا جایی که ملک سلمان ناگزیر از ورود سه گرداب‌های پر هزینه یعنی، عراق و سوریه همزمان با درگیری میدانی با القاعده، داعش، شیعیان قطیف و کاهش بهای نفت، تنها برای ارضای جاملطبی‌های خود و فرزندش به بهای فراز دانه سعودی‌ها بر لبه بر نگاه‌نابودی شده‌است. اقدام خاندان سلمان برای به حاشیه‌راندن ریاست محمدبن‌نایف در کمیته شورای روابط امنیتی و سیاسی و مدیریت تحولات همسایگان عربستان در یمن، سوریه و عراق، راه‌اندازی ائتلاف نظامی ۲۴ کشور



محمد بن سلمان، محمد بن نایف و محمد بن عبدالعزیز

برنامه دیدار سرگئی لاوروف و جان کری،

وزرای خارجه روسیه و امریکا در ژنو و در روزهای ۲۶ و ۲۷ اگوست از قبل برنامه‌ریزی شده بود و خبرگزاری آسوشیتد پرس هم اعلام کرده که کری دو روز دیگر در ژنو خواهد ماند. به نظر می‌رسد که کری چهار روز در این شهر می‌ماند تا زمان کالی برای مذاکره با طرف روس و بررسی پیشنهادهای او داشته باشد. تنش در کریمه و جنگ سوریه دو موضوع مهم این دیدار هستند و باید گفت که جنگ سوریه اهمیت بسیار بیشتری برای دو طرف دارد چنانکه مذاکرات بین کارشناسان دو طرف از مدت‌ها قبل در جریان بوده و مارک تورنر، سخنگوی وزارت خارجه امریکاهم گفته که پیشرفت‌هایی در زمینه تقویت همکاری برای پایان دادن به درگیری‌ها در سوریه به دست آمده‌است. این قطعنامه ۲۲۴۵ شورای امنیت باشد که در آن راهکارهایی برای پایان دادن به درگیری‌ها در سوریه طراحی شده اما باید توجه داشت شرایط با زمان تصویب آن قطعنامه تغییرات قابل توجهی پیدا کرده و این تغییرات نمی‌تواند بر مسیر اجرایی قطعنامه بی‌تاثیر باشد.

■ **چرخش ترکیه**

اولین تغییر قابل توجه تغییر موضع ترکیه نسبت به بحران در سوریه است. رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، از ابتدای شروع بحران در ۲۰۱۱ جانب مخالفان نظام سوریه را گرفت و ترکیه را مبدل به یکی از اصلی‌ترین پایگاه‌های آنها در جنگ سوریه کرد که از آنجا آموزش می‌دیدند و تجهیز می‌شدند و حتی اخبار و گزارش‌هایی از حضور مستقیم مأموران اطلاعاتی و نظامی ترکیه در جنگ سوریه منتشر شده‌است. اردوغان و دیگر مقامات ارشد ترکیه به دست‌اندر کار سوریه در مقابل با تهدید مشترک به داعش در حالی است که برخی رسانه‌ها اعلام کردند که منصور، رهبر سابق طالبان را در نزدیکی مرز پاکستان به ادعاها در حالی است که برخی رسانه‌ها اعلام کردند که منصور با روس‌ها و ایران برای مقابله با تهدید مشترک به نام «داعش» مذاکراتی انجام داده‌است. به نظر می‌رسد هدف قرار دادن منصور نه تنها برای از بین بردن منبع صلح، بلکه برای جلوگیری از نفوذ رقبای واشنگتن در افغانستان بوده‌است. ترکیه سابق طالبان را در نزدیکی مرز پاکستان با هدف قرار دادن منصور به نحوی آرام کند و داعش را تغییر داده‌اند تا آنجا که تغییر کامل موضع ترکیه در مورد سوریه از حد گمانه‌زنی فراتر رفته و مبدل به واقعیتی در عرصه تحولات شده‌است. اردوغان که زمانی بر کناری بشمار اسد، رئیس‌جمهور سوریه، از قدرت را پیش‌شرط هر گونه مذاکرات صلح می‌دانست، حالا باقی‌ماندن اسد در دوره انتقالی را پذیرفته و حتی بی‌علی بیلدریم، نخست‌وزیر ترکیه، در مصاحبه اخیر خود با شبکه تلویزیونی تی آر تی ترکیه

و روسیه در مذاکرات صلح افغانستان برای حل بحران این کشور به گوش می‌رسد که با منافع واشنگتن در تضاد است. امریکایی‌ها از نزدیکی طالبان به قدرت‌های منطقه‌ای نیز نگرانند و به همین منظور در خر دامه گذشته ملاحظت انتقال تکفیری‌های داعش به افغانستان و سپس آسیای مرکزی مرزهای جنوبی روسیه را ناامن کند. قبلاً چنین تحلیل می‌شد که سیاست خارجی امریکادر آسیای مرکزی تابعی از سیاست این کشور در قبال افغانستان است تا با ایجاد شرایط منطقه‌ای مطلوب، نیروهای خود را از افغانستان خارج کند اما اکنون امریکایی‌ها از افزایش نیروی نظامی و تمام حضورشان بحث می‌کنند. از اظهار نظرهای مقامات و تحلیلگران غربی بر می‌آید که امریکا برای مقابله با حضور قدرتمند روسیه به دنبال این است شکست‌خورده خود را مقابل مسکو را در آسیای مرکزی جبران کند. واشنگتن با تثبیت حضور دائمی خود در افغانستان می‌تواند تحرات روسیه، چین و ایران را از نزدیک رصد و در صورت نیاز تصمیم‌گیری لازم برای مقابله با آنها اتخاذ کند. سال گذشته در سفر رئیس ستاد کل ارتش چین به افغانستان، یکن اعلام کرد که حدود ۷۲ میلیون دلار به بخش نظامی در افغانستان کمک خواهد کرد. هم‌زمان رسانه‌های روسی نیز گزارش دادند که مسکو ۱۰ هزار قبضه سلاح کلاشنیکف را به دولت کابل برای مقابله با افراط‌گرایان تحویل داده‌است. امریکا که مهر مثلث روسیه-چین-ایران را در سر می‌پروراند، حضور رقبای خود در افغانستان را بر نمی‌تابد و از این رو نمی‌خواهد مثلث کامل از افغانستان میان را برای رقبای خود خالی کند. از سوی دیگر، ژئوپلیتیک افغانستان که حلقه اتصال آسیای مرکزی به خلیج فارس است و همچنین قرار گرفتن این کشور بین چین و ایران، نگرانی واشنگتن را دربار خروج نابودی طالبان از سر راه‌های تروریستی دیگر توجهی بر روی حضور اشغالگران در این کشور نخواهد بود.

می‌گوید: «چه بخوایم، چه نخواستیم، بشار اسد یکی از طرف‌های مهم و مؤثر در بحران سوریه است و در مرحله فعلی نمی‌توان وجود وی را نادیده گرفت.» « دو عامل اصلی در این تغییر جهت ترکیه وجود دارد که عامل اول اهمیت روابط ترکیه با روسیه است و دوم تجربه تلخی است که ترکیه از همکاری با متحدین غربی در سوریه داشته و البته کودتای نافرجام اخیر مهر تأییدی بر تلخی این تجربه زد.

روابط با روسیه برای ترکیه از جهت اقتصادی نقش راهبردی دارد چراکه ترانزیت ترکیه قابل توجهی از انرژی مورد نیاز خود را با گاز روسیه تأمین می‌کند، جدا از اینکه بازار روسیه برای محصولات ترکیه اهمیت داشته به خصوص بعد از تحریم‌هایی که امریکا و اتحادیه اروپا بر سر کریمه در برابر روسیه وضع کرده بودند. این روابط با سقوط بمب‌افکن سوخو ۲۴ روسیه در ۲۴ نوامبر گذشته توسط دو جنگنده ا۱۶ اف۲۴ روسیه هم‌زمانی دارد تا اینکه مثل گذشته در کار همکاری با مسکو کار شکنی کند یا اینکه بخواهد لوجیستانه نقش روسیه را در سوریه نادیده بگیرد. به عبارت دیگر، نیاز اوپاما به این کار موجب موقعیت انفعالی او در جنگ سوریه شده و به همین جهت است که حالا سخنگوی وزارت خارجه امریکا از تقویت همکاری‌ها با روسیه در سوریه می‌گوید. سفر عجولانه جو بایدن به آنکارا برای دلجویی از دولت ترکیه را هم باید از پیامدهای این موقعیت دانست که منجر به فشار آوردن واشنگتن بر ی‌پ ک برای بازگشت به شرق فرات و تأمین نظر آنکارا شد. در هر صورت، همگرایی ترکیه و بعد قطر با موضع روسیه باعث شده تا صف‌بندی‌ها تغییر قابل توجهی نسبت به قبل داشته باشد و امریکا دیگر آن موقعیت را نداشته باشد تا سیاست خود در مورد سوریه به طرف مقابل دیکته کند. اسفبارترین وضعیت در این صف‌بندی جدید سهم آل سعود شده که دیگر نمی‌تواند آرزوی خود را برای سقوط نظام سوریه دنبال کند و صدای خود را با خشم در رسانه‌هایش علیه تغییر موضع ترکیه و وضعیت جدید بلند کرده‌است.

دکتر سید تمث‌الله عبدالرحیم‌زاده

رویکرد

تغییر صف‌بندی‌های سوریه حول مسئله کردی

وامریکا متوجه نقش آن در مبارزه با داعش شد و از همان زمان شروع به تقویت این گروه کرد. تقویت این گروه به جای نظام سوریه تهدیدی علیه ترکیه محسوب می‌شود زیرا اردوغان این گروه را متحد حزب کارگران کردستان ترکیه یا پ‌ک ک که این گروه را تروریستی می‌خواند و در حال جنگ با آن است. اردوغان در این وضعیت متوجه شد که نقش سابق او در ترکیه در عمل علیه امنیت ملی کشورش تمام و باعث شده تا بیشترین بخش از نوار مرزی طولانی ۹۰۰ کیلومتری کشورش با سوریه به دست ی‌پ ک بیفتد که متحذ نزدیک پ‌ک ک است. در اینجا حمایت امریکا و ائتلاف آن در سوریه از ی‌پ ک اهمیت کلیدی دارد که واشنگتن به دلیل نیازش به ی‌پ ک در برابر داعش به درخواست‌های مکرر آنکارا برای دوری از این گروه توجهی نکرد و باعث عبور این گروه از شرق رود فرات در سوریه شد که آنکارا این اتفاق را خط قرمز خود می‌دانست. در مقابل، نیت ی‌پ ک برای اتصال سه کانتون کرد نشین در شمال سوریه به یکدیگر بر کسی پوشیده نیست که منطقه واحد خودمختاری را به وجود بیاورد که مقدمه‌ای بر فدراتیون کردن سوریه باشد. این اتفاق نه تنها از نظر دولت سوریه تهدیدی علیه امنیت ملی کشور است بلکه حتی مخالفان مسلح این دولت هم آن را تهدید می‌دانند و به شدت مخالف وقوع چنین اتفاقی هستند. به این جهت است که دولت‌های ترکیه و سوریه با وجود تمام اختلاف‌ها بر سر قدرت گرفتن ی‌پ ک به نقطه مشترکی رسیدند و همین نیز دو اتفاق تازه در جنگ چند ساله سوریه را رقم زد. نیروی هوایی سوریه برای نخستین بار از شروع جنگ در ۲۰۱۱ به مواضع کردها در شهر حسکه حمله کرد و تانک‌های ترکیه هم برای نخستین بار از مرز گذشتند و وارد خاک سوریه شدند تا از نیروی به اصطلاح میانه‌رو در فتح شهر جرابلس در شمال سوریه و منطقه مرزی این کشور حمایت کنند. این دو اتفاق پدیده‌های تازای هستند که نشان می‌دهد معادلات سوریه دیگر مثل زمانی نیست که آن قطعنامه شورای امنیت تصویب شد.

■ **صف‌بندی‌های جدید**

مسئله در صف‌بندی‌های جدید تنها این نیست که ترکیه موضع چند ساله گذشته را تغییر



داده بلکه قطر هم حاضر شده از این تغییر موضع دنبال‌روی کند. محمدبن عبدالرحمن آل ثانی، وزیر خارجه قطر، گفته که جنگ‌های کنونی در سوریه، عراق، یمن و لیبی باید متوقف شود و تأکید کرده که ما در منطقه خاورمیانه نمی‌خواهیم در یک محیط تروریستی همراه با خشونت زندگی کنیم. این تغییر موضع یکی از بزرگان اصلی در جنگ سوریه موجب می‌شود تا موضع روسیه در مذاکرات با امریکا تقویت بشود و بتواند در تعیین مسیر برای قطعنامه ۲۲۴۵ تأثیرگذار تر بشود. در مقابل، نابودی یا دست کم تضعیف شدید داعش مبدل به یک اولویت برای امریکا شده تا بسا اک اوپاما در این چند ماه مانده به ریاست جمهوری‌اش از آن کاردستی برای موقعیت خود و همچنین امتیاز تبلیغاتی برای کاندیدای دموکرات‌ها در انتخابات ریاست جمهوری به دست بیاورد. اوپاما برای به دست آوردن این کارت نیاز به همکاری بیشتر با روسیه دارد تا اینکه مثل گذشته در کار همکاری با مسکو کار شکنی کند یا اینکه بخواهد لوجیستانه نقش روسیه را در سوریه نادیده بگیرد. به عبارت دیگر، نیاز اوپاما به این کار موجب موقعیت انفعالی او در جنگ سوریه شده و به همین جهت است که حالا سخنگوی وزارت خارجه امریکا از تقویت همکاری‌ها با روسیه در سوریه می‌گوید. سفر عجولانه جو بایدن به آنکارا برای دلجویی از دولت ترکیه را هم باید از پیامدهای این موقعیت دانست که منجر به فشار آوردن واشنگتن بر ی‌پ ک برای بازگشت به شرق فرات و تأمین نظر آنکارا شد. در هر صورت، همگرایی ترکیه و بعد قطر با موضع روسیه باعث شده تا صف‌بندی‌ها تغییر قابل توجهی نسبت به قبل داشته باشد و امریکا دیگر آن موقعیت را نداشته باشد تا سیاست خود در مورد سوریه به طرف مقابل دیکته کند. اسفبارترین وضعیت در این صف‌بندی جدید سهم آل سعود شده که دیگر نمی‌تواند آرزوی خود را برای سقوط نظام سوریه دنبال کند و صدای خود را با خشم در رسانه‌هایش علیه تغییر موضع ترکیه و وضعیت جدید بلند کرده‌است.

پایه‌های پادشاهی سعودی که در ۱۷۵۰ از سوی محمد بن سعود ریخته شد

و کمک پسرش عبدالعزیز به بیرون از ریاض گسترش یافت، به دنبال یورش مصر به لوز در آمد. جنگ قدرت و تور ترکی فیصل در ۱۸۲۴ هم‌اوضاع را بدتر کرد و براسیدن توفان خاندان آل سعود به قدرت تا کنون، فروپاشیدن خاندان رشید بر سر بحران عمودی (از برادر به برادر) یا افقی (پدر به پسر) بودن جانشینی همزمان با خروج مصر از شبه‌جزیره فیصل بن سعود فرصت داد تا در ۱۹۲۴ با کمک نوه‌اش عبدالعزیز، پادشاهی سعودی‌ها را آغاز کنند. به تخت نشستن تنها شش تن از ۱۲۵ پسر عبدالعزیز یعنی سعود، فیصل، خالد، فهد، عبدالله و سلمان تا کنون گویای محدودیت فرصت جانشینی در خاندان آل سعود است. چالش همیشگی بر سر تعیین ولیعهد به عنوان وارث تاج و تخت و لیز از دستیابی به قدرت و میانبر رسیدن به ثروت‌های هنگفت نفتی، گام به پاک شدن یک پادشاهی از مخرفی‌های شبه‌جزیره عربستان انجامیده است. نبود سامانه قانونی و کارآمد تعیین جانشین، چاه‌های بیشمار نفت را تنها به ابزار چانه‌زنی برای پرداخت حق سکوت به مدعیان تاج و تخت خاندان حاکم تبدیل کرده‌است. در این میان، علاقه ویژه شاه به نورچشمی‌ها عشق برادری را از همان کودکی به حسادت تبدیل کرد و قایت برادران را کلید زد و بدسیسهای روزانه در قلب خاندان سلطنتی را رقم می‌زند. تا آنجا که در لحظه مراسم تشییع جنازه عبدالعزیز، شاهزادگان سعودی به روی هم شمشیر می‌کشند. از این رو با وجود خط خوردن پسران زنان غیرعربستانی پادشاه از فهرست بلند بالای مدعیان تاج و تخت به دلیل سنت عربی حرمت به ریشه‌ها، بحران جانشینی به‌دلیل ادواج‌های بیشمار و گسترش دایره وارثان و روشن نبودن معیار تعیین وارث نهایی تاج و تخت تشدید شده و گام به فروپاشی خاندان سلطنتی انجامیده و شاه جدید از میان سیل خون به تخت رسیده است. تجربه ناموفق جانشینی پسر ارشد پادشاه، ملک فهد را در ۲۰۰۶ در اندیشه وضع قانون «شورای ۲۴ نفره بیعت» برای سر و سامان دادن به ساز و کار جانشینی با حکم سلطنتی انداخت تا در صورت تأیید ناتوانی جسمانی شاه از سوی کمیته پزشکی، اداره کشور حداکثر به مدت یک هفته تا انتخاب پادشاه بعدی از میان مسن‌ترین، با تجربه‌ترین و

دفاع یگان‌های دفاع خلق یا ی‌پ ک، شاخه

نظامی حزب اتحاد دموکراتیک کردهای سوریه، از کوبانی در سینامیر دو سال قبل نقطه شروعی امریکا را آماده‌وران نه چندان آرام بین سلمان و حتی بروز کودتا و سقوط آل سعود کند.